

متن پرسش

با سلام: ۱. مگر نه که همه پیامبران به تجلیات ذاتی یا وصال رسیده اند، پس چطور در جریان اگر اشتباه نکنم حضرت شعیب آمده که ایشان آنقدر گریه می کرد که چشمانش کور شد و چند بار این اتفاق افتاد و.... تا وقتی که به خدا گفت که این دل من تا به وصال تو نرسد آرام نمی شود! البته بنده خلاصه ماجرا رو گفتم. پس این قضیه چطور بوده؟ آیا ممکن است که این ماجرا قبل از حصول کمال برای ایشان بوده باشد؟ ۲. اگر ممکن است به طور خلاصه بفرمایید که چه فرقی بین تجلی ذاتی در مقام واحدیت با تجلی ذاتی در مقام احدیت است؟ ۳. آیا واقعا تجلی ذاتی، فنا در کنه ذات است؟ یعنی همان ذاتی که هیچ کس به آن دست نمی یابد و در مقام احدیت ذاتیه است؟ یا نه بلکه تجلی ذاتی در زبان اهل عرفان به معنای فنا در اسماء ذاتی خداوند مثل احد یا واحد و... است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مقام اُنس و قرب الهی مراتبی دارد. حضرت شعیب مقامی را طلب می کردند که ارزش آن همه اشکریختن را داشت تا بالاخره حضرت حق، کلیم خود را آینهی آن رؤیت نمود. ۲- تجلی ذاتی در مقام واحدیت، موجب منورشدن قلب سالک به انوار اسماء الهی می شود و با تجلی ذاتی در مقام احدیت، همه چیز در منظر سالک مستهلک می گردد حتی اسماء الهی ۳- در تجلی ذاتی وجود هر موجودی و حتی ذات سالک، مستهلک است و سالک حتی ذات خود را به حق می بیند و نه ذاتی در کنار حق. موفق باشید